

نقش محیط در ارتکاب جرایم با تاکید بر افغانستان

حسن علی انوری*

چکیده

جرم معلول عوامل مختلف بیرونی و درونی است. محیط از عوامل مهم بیرونی بر رفتار مجرمانه افراد به شمار می‌رود. مقاله حاضر به این پرسش پاسخ می‌دهد که محیط چه تأثیراتی بر رفتار مجرمانه انسان می‌گذارد. قلم حاضر با روش توصیفی و تحلیلی تلاش می‌کند محیط و اقسام آن را به تعریف گیرد. سپس نقش انواع محیط را در ارتکاب جرایم مورد بررسی قرار دهد. شاید کسی را نتوان یافت که نقش محیط را در ارتکاب جرایم انکار کند. به همین جهت به صراحت می‌توان گفت: محیط با تنوعی که دارد هرکدام نقش خاص خود را از نظر اثرگذاری و نیز نوع جرم ایفا می‌کند، ولی اثرگذاری محیط به اندازه‌ی نیست که اراده و اختیار انسان را سلب کند. اگر قبلاً محیط‌زیست محدود به یک روستا و قریه می‌شد و نظارت شدید خانواده و آشنا بودن شخص در زادگاهش، فرصت کم‌تری برای ارتکاب جرم در اختیار مجرم قرار می‌داد، ولی امروزه، محیط نقش‌آفرینی بیش‌تری نسبت به گذشته دارد؛ زیرا با مهاجرت گسترده روستائیان به کلان شهرها اعضای خانواده در میان جمعیت گسترده شهرها گم می‌شود. از این رو، خانواده نظارت قبلی خود را بر اعضایش از دست داده‌است. این مسئله فرصت ارتکاب جرم را بیش از هرزمان دیگر، در اختیار فرد قرار می‌دهد. پیش فرض بررسی نقش محیط، معمولاً در شرایط عادی است. اگر نقش محیط در شرایط خاصی مانند وضعیت افغانستان واکاوی شود، پس زمینه جنگ، فقر، تبعیض و بی‌سوادی نقش مضاعفی به محیط می‌دهد. عوامل مذکور را می‌توان به‌عنوان عوامل مکمل محیط‌زیست در افزایش آمار جرایم به حساب آورد.

واژگان کلیدی: محیط، ارتکاب، افغانستان، قانون، جرم، عوامل بیرونی، عوامل درونی.

* دانش‌آموخته سطح چهار حوزه و دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی جامعه‌المصطفی (ص) العالمیه/

مقدمه

یکی از معضلات مهم در جهان، نرخ بالای جرم و افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی است. در شرایط پیچیده عصر اطلاعات بروز انواع جرایم و ناهنجاری‌ها، بار سنگین مادی را بر دوش دولت‌ها و تشکیلات قضایی کشورها تحمیل کرده است. سیر تصاعدی آمار جرایم همگام با رشد جمعیت، در اکثر کشورها از جمله افغانستان، قابل مشاهده است، برای جلوگیری و مبارزه با این عوامل باید عوامل جرم‌زا را شناخت، تا با شناخت این عوامل زمینه‌ها و بسترهای ارتکاب جرم را هدف قرار داده و کاهش داد.

محققان و کارشناسان مسایل جنایی هرکدام عوامل ارتکاب جرم را از زاویه دید خود مورد مطالعه و دقت قرار داده‌اند. برخی مسایل روانی و دیگری از نظر ژنتیکی و برخی دیگر، مسایل اقتصادی، فرهنگی، تربیتی و دینی را دخیل در ارتکاب جرایم می‌دانند و در عین حال عوامل دیگر، را نیز رد نکرده، بلکه آن را به‌عنوان عامل مکمل یا زمینه‌ساز پذیرفته‌اند. در این مقاله عوامل دیگر ارتکاب جرم مورد بررسی قرار نمی‌گیرد بلکه فقط عامل محیط واکاوی می‌شود که خود موضوع این مقاله را تشکیل می‌دهد.

نقش محیط در ارتکاب جرایم غیرقابل انکار است. محیط دارای اقسامی است که هر کدام نقش خاص خود را بازی می‌کند. به‌عبارتی، هر محیطی، نوعی از جرم را در جامعه تولید می‌کند. بنابراین، مقنن و نهادهای مسئول برای کاهش جرم مؤلفه‌ها و بسترهای جرم را با توجه به نوع محیط و جرم، مورد دقت قرار دهد تا راه‌کار متناسب با محیط در نظر بگیرند شاید نرخ جرم پایین آمده و روند کاهشی خود را ببیند.

۱. مفاهیم

۱.۱. مفهوم محیط

محیط در لغت: به‌معنای فراگیرنده، احاطه‌کننده و پاره‌خطی که دور سطحی را فرا می‌گیرد و آگاه و باخبر، (معین، ۱۳۸۹: ۱۶۷) اما محیط در اصطلاح به هرآنچه که بیرون از انسان است و بر انسان احاطه دارد، گفته می‌شود که شامل تمامی متغیرهای خارج از

وجود فرد می‌شود که از آغاز باروری و تولد تا مرگ انسان را در بردارد و بر او تاثیر می‌گذارد یا از وی تاثیر می‌پذیرد. (بی‌ریا، ۱۳۶۳: ۲۱۹)

به عبارت دیگر، محیط به کلیه عوامل تهدید کننده یا بهبود بخش محیط زندگی در پیوند با طبیعت گفته می‌شود. (حسنی، ۱۳۸۸: ۲۱۴) به عبارتی دیگر، می‌توان گفت: محیط یا محیط انسانی است یا جغرافیایی محیط فیزیکی آن محیط طبیعی است که دارای آب و هوا، شرایط اقلیمی، منابع غذایی و مادی حتی تغییرات فصلی و دمایی و بروندی است و محیط اجتماعی مثل الگو پذیری فرهنگی و تربیتی و ساختار خانواده و جامعه است. که هر کدام نقش خاص خود را در شکل‌گیری انسان و رفتار نیک و بد و ارتکاب جرایم ایفا می‌کند.

۲.۱. مفهوم جرم

جرم از منظرهای مختلف تعریف شده‌است، ولی به‌طور کلی می‌توان گفت: جرم ارتکاب عمل یا امتناع از عملی است که در قانون برایش مجازات پیش بینی شده و ضمانت اجرا برای شان در نظر گرفته شده‌است شاید تعریف کود جزای افغانستان، تعریف مقبول‌تری باشد که می‌گوید: «جرم، ارتکاب عمل یا امتناع از عملی است که مطابق احکام این قانون جرم شناخته شده، عناصر آن مشخص و برای آن مجازات یا تدابیر تأمینی تعیین گردیده باشد.» (کود جزا، ماده ۲۷) تعریف مذکور به نظر می‌رسد جامعیت و مانعیت لازم را برای تعریف جرم دارد. در این تعریف هم رفتار و هم ترک یک رفتار مخالف قانون جرم‌انگاری شده‌است در مورد ضمانت اجرا هم مجازات و هم تدابیر تأمینی به‌عنوان کیفر در تعریف ذکر شده‌است که خود از مزایای این تعریف محسوب می‌شود.

۲. انواع عوامل جرم

قبل از ورود به اصل موضوع ضروری به نظر می‌رسد که عوامل ارتکاب جرم را گذرا مرور داشته باشم تا جایگاه محیط در میان عوامل جرم‌زا روشن و برجسته گردد. عوامل جرم‌زا را می‌توان به دونوع عوامل درونی و بیرونی تقسیم بندی کرد.

۱.۲. عوامل درونی ارتکاب جرم

عوامل درونی گرچه در حیطه موضوع این مقاله نمی‌گنجد، ولی رابطه تنگاتنگی با عامل محیط دارد. بنابراین، می‌توان گفت: یکی از عوامل بزه‌کاری عامل درونی است که این عامل خود به دو گروه ارثی و اکتسابی قابل قسمت هستند.

۱.۱.۲. عامل ارثی

این عامل شامل خودآوردیهایی است که کودک از پدر، مادر و نیاکان خود گرفته و هنگام تولد با خود به دنیا آورده‌است. بدون شک تأثیر وراثت در تکوین شخصیت کودک غیرقابل انکار است. پژوهش‌های سال‌های اخیر در زمینه علم وراثت نشان می‌دهد که پاره‌یی از ناهنجاری‌های کروموزومی تأثیر ژرفی در عواطف، هیجان‌ها و به طور کلی رفتار انسان دارد. همان‌طور که شکل، قیافه و رفتار پدران و مادران در تکوین باطن و ظاهر فرزندان به‌خوبی متجلی می‌شود. (جعفری، ۱۳۹۱: ۴۵)

وراثت و محیط حتی بر شخصیت انسان قبل از تولد و دوران جنینی در حال رشد نقش بازی می‌کند. به همین جهت اسلام نسبت به انتخاب همسر و محل انعقاد و نشو و آدمی سفارش فراوان کرده است، بعد از تولد نیز ویژگی‌های شخصیتی والدین، شیوه تربیتی، امکانات اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی در ساختار و شخصیت کودک نقش اساسی دارد.

۲.۱.۲. عامل اکتسابی

ویژگی‌های اکتسابی این عامل سبب می‌شود پاره‌ای از استعدادها و بالقوه ارثی انسان شکوفا شود یا ممکن بر عکس مانع بالندگی آن شود. این ویژگی‌ها که در جرم‌زایی آن‌ها نمی‌توان تردید کرد، گاه به‌طور غیرارادی بر رشد جنین تأثیر می‌گذارد. مانند پیشامدهای استثنایی در دوران بارداری یا آسیب دیدن نوزاد در زایمان غیرطبیعی و گاه به‌طور ارادی کسب می‌شود و نمونه آن را می‌توان در تمایلات کم و بیش شدید برای مصرف مواد مخدر و در نتیجه داروبارگی در شخصیت معتاد مشاهده کرد. (همان)

برخی روان‌شناسان می‌پندارند هرآنچه انسان دارد از محیط و وراثت است آن‌ها باور دارند آن‌چه محیط بر انسان تحمیل می‌کند انسان‌ها چاره‌ای جز پذیرش ندارند؛ زیرا کم‌تر کسی را می‌توان یافت که برخلاف محیط و جو حاکم رشد کند. محیط بعد از تولد آغاز می‌شود تا جامعه، مدرسه و حتی آب و هوا را شامل می‌شود که هرکدام به نوعی انسان را متأثر می‌سازد. همان‌طور که آب و هوا جسم انسان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، فرهنگ و آداب یک محیط روح و روان یک فرد را متأثر می‌سازد. برای نمونه افراد شهری با ساحل نشین‌ها و نوار مرزی‌های خشک و سوزان از نظر قیافه با هم متفاوت هستند و این مسئله به‌خوبی قابل مشاهده و فهم است.

۲.۲. عوامل بیرونی ارتکاب جرم

واکنش‌های انسان نسبت به محرک‌های خارجی یا اطرافیانش بستگی به ساختار شخصیتی او دارد. عوامل بیرونی بزه‌کار شامل عواملی هستند که در محیط انسان را همواره تحت تأثیر خود قرار می‌دهند و محرک رفتارهای او به شمار می‌روند. پاره‌ای از این عوامل، خاص محیط طبیعی انسان است. پژوهش‌های جرم‌شناسی نشان می‌دهد که میان برخی رفتارهای بزه‌کارانه، میزان دما (گرما و سرما) و تغییرات فصول رابطه پیوسته‌ی وجود دارد و محیط شهر و روستا از یک میزان بزه‌کاری مساوی برخوردار نیست. به‌طور مثال برخی جرم‌شناسان معتقدند: در محیط گرم جرایم، بیش‌تر علیه اشخاص ارتکاب می‌یابند، ولی در محیط سرد جرایم، بیش‌تر علیه اموال صورت می‌گیرد.

۳. تأثیر انواع محیط در ارتکاب جرم

همان‌طور که اشاره شد محیط‌ها نقش یکسانی در ارتکاب جرم ندارد، بلکه هر محیطی می‌تواند مولد جرم خاص باشد یا یک محیط بیش از سایر محیط‌ها بستر جرم را برای مجرم بالفعل و بالقوه فراهم کند. به همین جهت ضرورت می‌یابد انواع محیط بررسی شود تا راه‌کار مناسب برای اون محیط خاص سنجیده شود. به همین جهت محیط‌های اختیاری با محیط‌های اجباری نقش‌های متفاوتی دارند که لازم است ولو گذرا مورد بررسی قرار گیرد.

۱.۳. محیط طبیعی

یکی از انواع محیط، محیط طبیعی است. نقش محیط طبیعی در ارتکاب جرایم قابل انکار نیست. محیطزیست افراد اعم از شهری و دهاتی به خصوص حاشیه شهرها آثار متفاوتی را بر افراد تحمیل می‌کند. آب و هوای متفاوت، روشنی یا تاریکی کوچه‌ها، سرک‌ها، خانه‌های خالی از سکنه، مخروبه‌ها، خانه‌های کوچک و پرجمعیت هرکدام نقش خاصی در نوع و کثرت جرم دارد. به‌عنوان مثال زندگی در ساحه پل کمپنی کابل یا مناطق فقیرنشین و دور افتاده دشت برچی با منطقه مثل مکروریان و شهرک امید سبز، قابل مقایسه نیست بدیهی است مجرمان در منطقه اول از نظر روانی، تربیتی، ساختار، بافت شهری، محقر و کم ظرفیت بودن خانه‌های مسکونی فرصت بیشتری برای رفتار مجرمانه خود دارند، ولی در مناطق دوم که شهرک‌ها با امکانات روز و ظرفیت لازم ساخته شده‌است فرصت کم‌تری را در اختیار مجرمان بالفعل و بالقوه قرار می‌دهد.

بدین ترتیب وضعیت جغرافیایی، مانند ساختار شهری، بالا شهر و پایین شهر بودن، تراکم ساختمان، خانه‌های کوچک، مخروبه‌ها آب و هوا امکانات ورزشی و فرهنگی کتابخانه‌ها و درجه حرارت می‌تواند بر کنش‌های آدمی موثر باشد.

همان‌طور که بافت شهری در ارتکاب جرایم نقش دارد، عامل جمعیت نیز دارای نقش است؛ زیرا توسعه شهرها و تراکم جمعیت در شهرهای بزرگ نیز از عوامل محیطی جرم‌زا محسوب می‌شود. بدین توضیح که در شرایط تراکم جمعیت امکانات و وسیع‌تری برای ارتکاب جرم در دسترس اشخاص قرار می‌گیرد. براین اساس، در دهات و شهرهای کم جمعیت نظارت بیشتری روی اعضای خانواده صورت می‌گیرد. به‌گونه‌ای که شخص حاشیه امن برای خود نمی‌یابد، ولی در شهرهای بزرگ و متراکم بودن جمعیت، گم‌نامی و گم شدن در میان انبوه جمعیت را در پی دارد. همین مسئله بستر ارتکاب بزه و فرار از چنگال قانون را فراهم می‌سازد. آمار منتشره در کشورهای پیش‌رفته نیز، حکایت از این دارد که وقایع و حوادث بزه‌کارانه در شهرها بیشتر از محیط‌های روستایی و دهاتی است.

بدین ترتیب محیط‌ها در ارتکاب بزه نقش یکسانی ندارد، بلکه هر محیطی نقش خاصی خود را در نوع و افزایش بزه، ایفا می‌کند هرچه محیط آلوده‌تر باشد، توقع ارتکاب جرم در آن بیش‌تر خواهد بود هرچه محیط سالم‌تر باشد انسان سالم‌تر به جامعه تحویل می‌دهد و قهراً آمار رفتار مجرمانه نیز کاهش می‌یابد.

۲،۳. محیط اجتماعی

وقتی انسان زندگی اجتماعی را برگزیند در می‌یابد که تنها راه مرتفع ساختن نیازهایش اجتماع است. سپس وارد جامعه شده و شهرنشینی را تجربه می‌کند. رشد شهرنشینی به‌خصوص در کشورهای توسعه یافته مصایب و معضلات را با خود به همراه دارد که در این میان حاشیه نشینی در کلان‌شهرها انحرافات و نظم‌گریزی را به همراه خواهد داشت که به لحاظ موقعیت تحمیلی بودنش بر روی صاحبان خود به یک کانون جرم خیز تبدیل خواهد شد که پیامد آن افزایش میزان بزه‌کاری خواهد بود.

افرادی که از دهات به شهرها مهاجر می‌شوند به‌خاطر عدم مطابقت با محیط شهری به حاشیه رانده می‌شوند و در این محیط که فقر و بی‌فرهنگی بیداد می‌کند، افراد جویای کار با همسالان و دوستان تبهکار بیش‌تر آشنا شده طرح رفاقت و دوستی می‌ریزند و کم‌کم در مسیر انحراف و جرم قرار می‌گیرند. براساس برداشت نویسنده اکثر معتادان مواد مخدر در کابل و شهرهای اطراف قربانی رفاقت‌های شدند که در ابتدا ظاهر خوش‌خط و خال سرخوشی مواد را نشان دادند و در ادامه زهر شان را در تن رنجور رفیق شان تزریق کردند و به مسیری رهنمون شدند که سر از ترکستان بر آوردند که فرجام در برزخ مرگ و زندگی برای زنده ماندن تقلا می‌کند.

جامعه و دولت نیز نگاه سرد شان را به آن‌ها دوخته از کنار شان به راحتی عبور می‌کنند. اگر نیک بنگریم اکثر شان قربانی رفاقت‌های شدند، که با لبخند آن‌ها را در برزخ زندگی کشاندند که نه توان بازگشت دارد و نه فرصت زندگی کردن را بلکه جسم و روح شان در زیر چرخ اعتیاد له شده و برای نفس کشیدن فقط رمقی در کالبد بی‌خاصیت شان در جریان است برای اثرگذاری رفاقت این مثال زبان‌زد عام و خاص

شده است که می‌گویند: نزد ذغال فروش بنشینی سیاه و پهلوی روغن فروش قرار بگیری روغنی خواهی شد.

بدون شک یکی از بسترها و عامل قوی بروز جرایم و ارتکاب بزه، هم‌نشینی و مصاحبت با تبهکاران است. اسلام قرن‌ها پیش به مسلمانان سفارش فرمود: از معاشرت با بدان بپرهیزند و با نیکان و انسان‌های شرافتمند معاشرت نمایند. بسیاری کسان که پاک بودند، ولی در اثر معاشرت و دوستی با افراد فاسد و حضور در محیط آلوده در مسیر فساد و گناه افتادند. (جرگونی، ۱۳۹۳: ۱۷)

به عنوان مثال قرآن کریم درباره اثر محیط‌زیست می‌فرماید: «وَأَلْبَدُ الطَّيْبُ يُخْرَجُ نَبَاتُهُ بِأَذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكْدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ.»؛ سرزمین پاکیزه، گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید، اما سرزمین‌های بد طینت و شوره‌زار، جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش، از آن نمی‌روید. (اعراف/ ۵۸)

واژه «نکدا» که در آیه فوق آمده است، به معنای شخص بخیل و ممسک است که به کسی چیزی نمی‌دهد از زمین شوره‌زار نیز، محصولی نباید توقع داشت، ولی از بذر سالم و باران لطیف و حیات بخش، سنبل بار می‌آید. بقول شاعر که می‌گوید:

زمینی که پاک است و نیکوش خاک *** گیاهش به اذن خدا هست پاک

ولی ز آن زمینی که ناپاک هست *** نروید گیاهی مگر خار و پست

همان‌طور که طبیعت و سرزمین پاک در رشد و پرورش بهینه گیاهان مؤثر است، از زمین شوره‌زار چیزی به دست نمی‌آید، محیط آلوده نیز همانند شوره‌زار تأثیر منفی و اثرات زیان‌باری بر تربیت انسان دارد. (فولادی، ۱۳۸۹: ۱۷) چه بسا افرادی که زندگی پاک و پاکیزه‌ی دهات و زادگاه شان را رها کرده و وارد کلان شهرها شدند و از تأمین هزینه‌های زندگی عاجز ماندند و سپس ناخواسته به سمت شغل‌های کاذب و یا ارتکاب بزه، کشیده شدند و در دام شکارچیان طماع گرفتار آمدند که بیرون شدن از آن بسی سخت و دشوار می‌نماید.

۳.۳. محیط اجباری

۱.۳.۳. محیط خانوادگی

محیط خانوادگی، محیطی است که فرد در آن، به دنیا آمده و به حیات و زندگی اش ادامه می‌دهد. بدون شک این محیط، تحت اختیار انسان نیست. محققان بر این عقیده‌اند: فرد تحت تأثیر شدید والدین و دیگر اعضای خانواده قرار می‌گیرد، به همین دلیل، وضع خانوادگی او مانند امکانات اقتصادی، رفتار والدین با هم، رفتار والدین با فرزندان، بچه های طلاق، یا فقدان یکی از والدین خشونت و امثال شان در بروز اعمال و رفتارهای خطرناک و ارتکاب جرایم رابطه مستقیم دارد. این تأثیر بر شکل‌گیری شخصیت و منش افراد در نتیجه، رفتارهای آتی آنان، مورد توجه بیش‌تر متفکران قرار گرفته است. (توانا، ۱۳۸۸: ۲۰۴)

بدین ترتیب یکی از مهم‌ترین زمینه‌های و بسترهای ارتکاب جرم، محیط خانه و خانواده است. از این‌رو، کارشناسان باور دارند ارتکاب جرایم نوجوانان و جوانان به‌طور روشن معلول نوع تربیت و تعامل خوب یا بد والدین باهم یا والدین با فرزندان است؛ زیرا کودک با فطرت پاک و سالم به دنیا می‌آید و این خانواده است که روحيات و صفات خوب و بد خود را به کودک انتقال می‌دهد. به‌خصوص فرزندان طلاق استعداد بیش‌تری برای ارتکاب بزه دارند. بدین ترتیب تربیت، آداب و رسوم خانواده در ذهن کودک نقش می‌بندد به همین جهت کودک به راحتی دین و مذهب خانواده را می‌پذیرد. و از بزرگ‌سالان به‌خوبی تقلید می‌کند.

۲.۳.۳. محیط مسکن

محیط مسکن همان محل سکونت یا خانه است که فرد در آن متولد می‌شود، در آن‌جا رشد می‌یابد و در آن به استراحت می‌پردازد. وضع مسکن تا حد زیادی نشان دهنده وضع زندگی اقتصادی و اجتماعی والدین و محلی است که خانه در آن بنا شده است، که در وقوع جرایم افراد مؤثر است. خانه‌های محقر و کوچک که فضای آن، برای افراد ساکن در آن محدود است، تأثیر فراوانی در انحراف ساکنانش دارد؛ زیرا والدین و فرزندان مجبورند در یک اتاق بخوابند و چه بسا فرزندان متوجه روابط جنسی والدین گردند که همین امر موجب بروز آثار ناخوشایند در مسایل جنسی فرزندان

خواهد شد و نیز به سبب شلوغی منزل و سروصدای زیاد و ناراحتی والدین، غالباً فرزندان به کوچه‌ها پناه می‌برند از طریق همسالان بدآموزی‌ها را ناخواسته یاد می‌گیرند و به درون خانه منتقل می‌کنند و از این طریق، به بیراهه کشیده می‌شوند. (تاج زمان، ۱۳۸۶: ۲۵۰)

محیط سکونت در افغانستان غیر از مسکن‌های شهری که تا حدی استانداردهای لازم را دارد، در دهات و قریه‌ها به خاطر فقر و بافت خانه‌ها و فضای ناکافی و تعداد زیاد جمعیت، زمینه‌های بدآموزی‌های زیادی برای فرزندان تسهیل می‌کند. از سوی دیگر، مادران بی‌سواد یا کم‌سواد نمی‌توانند در کنار کارهای فراوان روزمره، به تعلیم و تربیت فرزندان که پی هم به دنیا آورده‌اند، پردازند. بدین ترتیب مسکن در چنین حالتی محیط ناسالم برای فرزندان تلقی می‌شوند. وقتی این کودکان به مرحله نوجوانی و جوانی برسند، تبعات آن را در مسیر انحراف و بزه‌کاری تجربه خواهند کرد.

۳،۳،۳. محیط زندان و سربازی

گاهی اوقات افراد در انتخاب محیط از خود اراده‌ی ندارند و نوع محیط به آن‌ها تحمیل می‌شود، محیط‌های تحمیلی مانند بازداشت‌گاه‌ها، زندان‌ها، کانون‌های اصلاح و تربیت و موسسات مشابه دیگر، که هیچ‌گاه به میل افراد نیست. این محیط‌ها نیز می‌توانند عامل بالقوه برای ارتکاب بزه تلقی شوند.

۳،۴. محیط اختیاری

گاهی شخص، در انتخاب محیط مختار است. محیط را با رضایت و میل خود انتخاب می‌کند که شامل موارد زیر است.

۳،۴،۱. محیط کار

از جمله محیط‌های که در ارتکاب و عدم ارتکاب جرم نقش بازی می‌کند، محیط کار است. شغلی را که فرد برای تأمین معیشت و خرج زندگی خود انتخاب می‌کند، اگر براساس خواست و رضایت قلبی‌اش نباشد، او را در تنگنا قرار می‌دهد، زمینه را برای ارتکاب اعمال خلاف و جرایم در او آماده می‌سازد. محیطی که شخص در آن به کار مشغول می‌شود و در کنش با افراد مختلف قرار می‌گیرد. از ناحیه خرده فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و باورهای افراد متأثر می‌شود. مثلاً، کارکنان در غذاخوری‌ها به سبب سروکار

داشتن با طبقات و اقشار گوناگون اجتماع، از جمله بزه‌کاران، بیش از دیگران، در معرض ارتکاب جرم قرار می‌گیرند و به آن، آلوده می‌شوند. (جعفری، ۱۳۹۱: ۵۶)

یا مثلاً جوانان و افرادی که در نوار مرزی‌ها زندگی می‌کنند، در ادامه شغل پدران شان که معمولاً کولبری و جابه‌جایی کالای قاچاق است به سمت شغل نیاکان کشیده می‌شوند و زمینه‌های ناهنجاری و قانون شکنی در او پدیدار می‌شود. یا مادران و پدران که به شغل کاذب تکدی‌گری مشغولند، بدون شک فرزندان شان در معرض آسیب‌های جدی قرار می‌گیرند. به‌گونه‌ای که انجام کار شایسته و نیک را نمی‌توان از آن‌ها توقع و انتظار داشت.

محیط کار را می‌توان از محیط‌های انتخابی به‌خصوص برای جوانان و بزرگسالان تلقی کرد. این افراد، اغلب می‌توانند، به انتخاب خود شغلی را برگزینند. اگر احیاناً در مواردی شغلی بر آن‌ها تحمیل می‌شود، می‌توان، آن را به موارد نادر به‌عنوان استثنا پذیرفت که به اصل آزادی انتخاب شغل لطمه‌ای وارد نخواهد آورد.

۲.۴.۳. محیط تفریحی

انسان‌ها در عصر صنعت و فناوری نیاز بیشتری به تفریح و استراحت دارند. به همین دلیل، برای استراحت و رفع خستگی و بازیابی مجدد توان خود، بخشی از حیات و اوقات خود را به تفریح اختصاص می‌دهند. اگر مکان‌های تفریحی سالم مطابق با ارزش‌ها، آداب، رسوم، فرهنگ و معتقدات مذهبی وجود نداشته باشد، افراد به سایر اماکن عمومی از قبیل قهوه‌خانه‌ها، غذاخوری‌ها، گیم‌نت‌ها، کوچه‌ها و سرک‌ها پناه می‌برند.

در این شرایط، افراد بزه‌کار و منحرف در کمین نشسته آن‌ها را تطمیع و شکار می‌کند تا در انجام کارهای مجرمانه رفیق و همدست شان باشند. بدین صورت، زمینه انحراف افراد جویای تفریح سالم فراهم می‌شود و این افراد، به‌خصوص اقشار جوان، جذب گروه‌های تبه‌کار می‌شوند و با آن‌ها طرح دوستی می‌ریزند. برای این که مورد قبول و پذیرش آن گروه واقع شوند، به ناچار، باید رفتارها، ارزش‌ها و چارچوب‌های عملی آن‌ها را بپذیرند که نتیجه‌اش دست یازیدن به جرایم مورد نظر آن‌هاست.

بنابراین، اگر چه محیط تفریح، یک محیط انتخابی است، ولی در عین حال برای نوجوانان و جوانان می‌تواند، به یک کمین‌گاه نامرئی تبدیل شود که ممکن مور شکار افراد سودجو و بزه‌کار قرار گیرند. برخی از جرایم، ریشه در سفرها و مکان‌های تفریحی دارد که جوانان پاک در شب نشینی‌ها و پارتی‌ها در دام افراد سود جو قرار می‌گیرند و باعث لکه‌دار شدن عفت و یا کشیدن و بهره‌بری از موادهای مخدر طبیعی و صنعتی می‌گردند، که خود آغاز نامبارک برای ادامه مسیر ناهنجار بعدی خواهد شد. اگرچه گزینه تفریح در برنامه خانواده‌های روستایی در افغانستان تعریف نشده‌است، ولی در موارد نادر و اکثرا در شهرها تفریح و شب نشینی‌ها بی‌تأثیر در ارتکاب جرم و بزه‌کاری نیست.

۳،۴،۳. محیط تحصیلی

یکی از فاکتورهای که زمینه را برای ارتکاب جرایم به‌خصوص در جوانان تسهیل می‌کند، محیط تحصیلی است. در اوایل قرن نوزدهم، صاحبان اندیشه معتقد بودند: برای پیش‌گیری از جرایم در یک جامعه، باید تعلیم و تربیت در آن جامعه همگانی و فراگیر شود. از این‌رو، طرح اجباری شدن تعلیم و تعلم را مطرح کردند، اما با گذشت زمان، ثابت شد که صرف با سواد شدن افراد جامعه، تأثیری در کاهش میزان جرایم ندارد، بلکه نوع و کیفیت جرایم فرق می‌کند. بدین صورت که اشخاص باسواد کم‌تر از اشخاص بی‌سواد دست به ضرب و جرح می‌زنند، بلکه اغلب مرتکب جرایم فکری، که همراه با مکر و حيله از قبیل جعل، کلاهبرداری و خیانت در امانت است، می‌شوند.

محیط تحصیلی در تکوین و توسعه شخصیت کودک نقش فراوانی دارد. طفل در آشنایی با هم‌کلاسی‌های خود، طرز معاشرت و زندگی در اجتماع و سازگاری و احترام به دیگران را فرا می‌گیرد و با رعایت نظم و انضباط در محیط مدرسه برای رعایت و اجرای قوانین و مقررات اجتماعی آماده می‌شود، اما اگر شرایط مطلوب در مدارس و مکاتب وجود نداشته باشد، نتیجه معکوس نصیب دانش‌آموزان خواهد شد. به‌خصوص این‌که با صنعتی شدن کشورها، مدرسه به‌جای پرداختن به دو مسؤولیت تعلیم و تربیت، فقط افراد را جهت رسیدن به شغل خاص در جامعه هدایت می‌کند و اصل رسالت خود

را فراموش می‌کند. از سوی دیگر، وجود تعداد زیاد دانش‌آموزان در یک کلاس درس و عدم امکان توجه و بررسی کافی مریبان به ابعاد اخلاقی، عاطفی و عقیدتی کودکان، عامل دیگری برای توجه نکردن به مسأله تربیت آن‌هاست که این عوامل در کنار عوامل دیگر، زمینه را برای انحراف کودکان فراهم می‌کند. (تاج زمان، پیشین: ۲۵۵)

بنابراین، بایسته است که والدین و خود دانش‌آموزان مراقب باشند در هنگام تحصیل چالش‌ها و کمین‌گاه‌ها را در مسیر زندگی تحصیلی خود بشناسند تا مسیر تحصیل را به سلامت عبور نمایند و در دام گسترده‌ای هم‌کلاسی‌های هنجار شکن گرفتار نشوند. تأثیر هم‌سالان بر افراد در سن نوجوانی و جوانی بسیار جدی و خزنده است. در جرم‌شناسی تحت عنوان «معاشرت‌های ترجیحی» به شکل جدی این نقش را مورد توجه قرار داده است.

رسول خدا^(ص) در زمینه تأثیر رفاقت بر همسالان فرمود: «المراء علی دین خلیله و قرینه.»؛ مرد بر روش و دین دوست و همسان خود خواهد بود. (حراملی ۱۴۰۳: ج ۴، ۲۰۵)

ع. حاشیه نشینی و ارتکاب جرم

در زمان معاصر، پیش‌رفت‌های صنعتی و اقتصادی باعث شده است که جامعه و شهر متحول شود، از یک‌سو بهبود یافتن وضع راه‌ها، سهولت در حمل و نقل و توسعه رسانه‌های گروهی موجب شده است، که روستاییان و ده نشینان به راحتی از مزایا و رفاه زندگی شهری اطلاع یابند و بیش‌تر متوجه محرومیت‌های خود شوند. در نتیجه، برای تحصیل این مزایا و داشتن زندگی مرفه و کسب تحصیلات عالی به کلان شهرها و پایتخت کشور مهاجرت نمایند، ولی با ورود به شهرها، با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شوند؛ مانند تهیه مسکن، پرداخت کرایه خانه و دسترسی به امکانات زندگی شهری و... به همین جهت مجبور می‌شوند از متن شهر به حاشیه شهرها رانده شوند، تا از عهده مایحتاج زندگی خود برآیند. از سوی دیگر، به دلیل نداشتن تخصص لازم و بایسته، برای انجام کارهای مناسب و صنعتی، به سوی شغل‌های کاذب و نامناسب مانند سکرت فروشی، روزنامه فروشی و خرید و فروش مواد مخدر روی می‌آورند، که این مشکلات بستری می‌شود که تا به ارتکاب جرایم و ناهنجاری‌های دست بزنند. (توانا، پیشین: ۲۲۴)

بنابراین، حاشیه نشینی به نوبه خود موقعیتی را خلق می‌کند که فرصت بیش‌تری در اختیار بزه‌کاران قرار می‌دهد. این بدان خاطر است که با وجود صرف بزه‌کار و بزه‌دیده، جرم واقع نمی‌شود، بلکه باید فرصت و موقعیت مناسب برای ارتکاب جرم نیز فراهم شود تا جرم محقق شود به نحوی که رهیافت فرصت در جرم‌شناسی به قلمرو زمان و مکان وقوع جرم تمرکز می‌کند؛ زیرا برخی موقعیت‌ها برای جرم مساعدتر از سایر موقعیت‌ها است؛ بدیهی است هرچه فرصت‌های ارتکاب جرم افزایش یابد احتمال وقوع جرم نیز افزایش پیدا می‌کند، برعکس کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم، احتمال وقوع جرم را نیز تقلیل می‌دهد. (همان، ۲۲۴)

۵. میزان نقش محیط در ارتکاب جرایم

بدون شک، محیط جغرافیایی در ارتکاب جرم تأثیر دارد. با وجود این نمی‌توان گفت: تنها علت ارتکاب جرم عوامل جغرافیایی است؛ زیرا همه کسانی که در یک محیط جغرافیایی با شرایط مشابه قرار دارند مرتکب جرم نمی‌شوند. فقط بعضی از آن‌ها دست به ارتکاب جرم می‌زنند.

بنابراین، باید گفت: در کنار عوامل محیطی، عوامل دیگری نیز، در ارتکاب جرم دخالت دارد. از سوی دیگر، انسان در اعمال و رفتار خود نه چندان مجبور است که مانند ابزاری در دست کارگر باشد و نه چنان مستقل است که سایر عوامل طبیعی در آن هیچ‌گونه دخالتی نداشته باشد. (موغلی، ۱۳۹۰: ۶۴)

بنابراین، عامل محیط می‌تواند، به‌عنوان زمینه‌ساز ارتکاب جرم نقش بازی کند این بدان معناست که این عامل نمی‌تواند، نقش علت تامه را بازی کند به‌گونه‌ی که محیط آلوده حتماً به ارتکاب بزه منجر شود و نه این عامل آن‌چنان قوی است که اختیار و اراده انسان را سلب کند.

اگر عامل محیط، آن‌چنان تأثیر بگذارد که اختیار و اراده را از انسان سلب کند، در این صورت، تلاش مربیان و عمل‌کرد مصلحان بیهوده خواهد بود. (سبحانی، ۱۳۸۸: ج ۲،

انسان اگرچه در برخی صفات که قابل تغییر نیست حق انتخاب ندارد، مانند رنگ چشم و صفات روحی هم چون حماقت و جنون که تحت تأثیر وراثت و محیط مجبور است به شکل ناخواسته آن را متحمل می‌شود، ولی در بسیاری از صفات مختار است و می‌تواند آگاهانه و با اراده آن را تغییر دهد. مانند شجاعت، سخاوت، بخل و ترس که خداوند در قبال رفتاری که خارج از اراده انسان است نه امتیاز می‌دهد و نه ثواب و عقاب به انسان می‌دهد، بلکه ملاک برتری انسان‌ها تقوا است که امری است اختیاری نه اجباری. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۵: ۲۲۸)

۶. محیط اجتماعی جرم در افغانستان

اگر از نقش عامل محیطی در ارتکاب جرایم طرح بحث می‌شود، پیش فرض شان شرایط عادی است، ولی در شرایط غیرعادی محیط متناسب با شرایط نقش بازی می‌کند. اگر محیط را با توجه به پس زمینه‌های جنگ در کشوری همانند افغانستان، مورد بررسی قرار دهیم به وضوح محیط‌های جنگی یا پسا جنگ نقش انکار ناپذیری در افزایش ارتکاب جرایم دارد. بدون شک جنگ پیامدهای جدی همانند مشکلات روحی و روانی نامنی فقر و از دست دادن اعضای خانواده را در پی دارد، هرکدام از گزینه‌های فوق می‌تواند مسیر ارتکاب جرم را تسهیل کند. فقر یکی از تبعات جنگ است برخی افراد به خاطر فقر و مشکلات اقتصادی دست به سرقت و کارهای در آمدزای نامشروع می‌زنند. برخی که در جنگ نان‌آور خانواده را از دست داده یا شاهد کشته شدن همسر شان بوده اند ممکن فشار غرایز جنسی او را وادار به ارتکاب روابط نامشروع بسازد یا برای تأمین حداقل نیازهای زندگی به ارتکاب جرم دست یازند.

از سوی دیگر شکاف‌های قومی در کشور در طول سالیان جنگ بیش و بیش تر شده است. این مسئله باعث شده است تا علاوه بر آثار مخرب جنگ تعصبات قومی و قبیله‌ی قربانی بیش‌تری از ما بگیرد. برخی از نظامیان به‌خاطر قومی شدن جنگ دست به کشتار و تخریب بی‌سابقه‌ای زدند که خود در افزایش آمار جنایی نقش انکار ناپذیری دارد.

متأسفانه، نمونه‌های از جنگ‌های قومی را در طول سالیان جنگ از زمان تک تازی حکومت مجاهدان تا زمان حکومت ربانی و دوران جمهوریت و طالبان به وضوح در جغرافیای مختلف کشور، شاهد بودیم. در سایه جنگ که نظام و نظارت دولت مرکزی کم‌رنگ می‌شود، افراد سودجو تلاش می‌ورزند از خلاء امنیتی استفاده کرده دست به انتقام‌جویی و غارت اموال بزنند نمونه‌های آن در بخش‌های از کشور به قدری روشن است که نیاز به ذکر آن نیست.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، محیط‌ها نقش یکسانی ندارد، بلکه محیط‌ها، در جغرافیای یک کشور به‌خصوص، کشورهای دارای تنوع قومی و فرهنگی، متفاوت خواهد بود. افغانستان دارای پازل‌های متفاوت قومی و منطقه‌ای است که در کنار هم چیدن یک ملت را تشکیل داده‌است. بدیهی است تنوع قومی آداب و فرهنگ مختلف، همان‌گونه که در بخش‌های دیگر، آثار متفاوت بر جای می‌گذارد. در نقض قوانین و رفتار هنجار شکنانه نیز، متفاوت خواهد بود. به‌عنوان مثال در دوران جمهوریت آمارها حکایت از آن داشت که در ساحه جنوب غرب کشور مانند هرات آمار خودکشی و خودسوزی زنان و دختران بیش از سایر نقاط کشور محاسبه شده است، که به نظر نگارنده خودکشی‌ها می‌تواند معلول خودآگاهی زنان و دختران این ساحه با توجه به نقش انکار ناپذیر همسایگی ایران و نقش رسانه‌های آن در خود باوری زنان باشد.

نقش رسانه‌های خارجی و کشور همسایه به زنان هراتی این جسارت را داده بود که در صدد احیای هویت و نقش خود در جامعه باشد از سوی دیگر، جامعه قبیله‌ای که حاوی تفکر سستی و مردسالاری است، در برابر مطالبات برحق زنان انعطاف نداشته در نتیجه زنان این خطه تحت فشار روانی قرار گرفته سرانجام برخی شان دست به خودکشی زده‌اند.

این در حالی است که در ولایات دیگر که اغلب پشتون‌ها را در خود جای داده است، قتل‌های ناموسی بیش از جای دیگر، اتفاق افتاده است. در ولایات مذکور غیرت ناموسی به شکل افراطی ده‌ها تن از دختران و زنان جانش را به جرم همراه بودن با غریبه یا مکاتبه کردن یا فرار کردن از خانه توسط غالباً پدر یا برادر از دست داده است.

در حالی که در ولایت‌های مرکزی مانند دایکندی رفتار دختر و پسر و فرار آن‌ها از خانه واکنش ملایم‌تری خانواده‌ها را در پی داشته است، به‌گونه‌ی که دختران و پسران فراری فرا خوانده می‌شوند تا با مصالحه دو خانواده جریان به شکل مسالمت‌آمیز حل شده دختر و پسر با انجام مراسم سنتی راهی خانه بخت شوند. ولایات دیگر نیز هرکدام به تناسب بافت قومی و فرهنگی خصوصیات خاص خود را به نمایش می‌گذارد. قابل انکار نیست که ولایت‌های شمالی و قندهار بیش‌ترین آمار بچه بازی و روابط هم‌جنس‌گرایی مردان را به خود اختصاص داده است. ولایت هلمند و شهرهای هم‌جوار آن که برای کشت و زرع تریاک و چرس بهترین شرایط را دارد، طبیعی است بیش‌ترین آمار کاشت و قاچاق مواد مخدر را به خود اختصاص دهد. این در حالی است، که همه ولایات به‌خصوص شهر کابل در سال‌های پسین جمهوریت از فساد اداری رشوت و فساد جنسی رنج می‌برد. فساد گسترده اداری و جنسی مقامات و کارکنان دولتی باعث شده بود که فساد در لایه‌های زیرین حکومت و جامعه قباحت خود را از دست دهد و به سرعت فراگیر شود. به قول شاعر:

اگر زباغ رعیت ملک خورد سببی *** برآورد، غلامان او درخت از بیخ

مردم عادی نیز به‌خاطر کم‌هزینه بودن روابط غیرقانونی و نامشروع به فسادهای جنسی و اداری آلوده شدند. اگر کابل را در مقیاس خودش به‌عنوان یک محیط محک بزیم، باز می‌بینیم کابل دارای تنوع قومی است که از بافت همه اقلیت‌های کشور درهم تنیده شده است و خود محیط‌های متفاوتی را به‌وجود آورده است که در بافت‌های قدیمی با خانه‌های محقر و کم‌ظرفیت و تراکم جمعیت آمار جنایی بیش‌تری را در لیست کارشناسان جنایی به خود اختصاص داده است، ولی مناطق تازه‌ساز با سازه‌های جدید و غیر متراکم و جمعیت کم‌تر کاهش آمار جنایی را شاهد بوده و هستیم.

نتیجه‌گیری

جرم یک پدیده است که در تمام جوامع در زمان‌های مختلف با انگیزه‌های متفاوت پدید می‌آید. هیچ کشوری قادر نیست جرم را ریشه کن سازد. تقریباً محو جرم به یک امر محال تبدیل شده است.

بدون شک ارتکاب جرم معلول عوامل مختلف است. کارشناسان و محققان براساس رشته و دیدگاه خود برای جرم عواملی را برشمرده‌اند. یکی از این عوامل، محیط است. تأثیر عوامل محیطی بر افزایش و کاهش بزه‌کاری امر مسلم و تردید ناپذیری است. عوامل محیط خود به سه نوع محیط طبیعی، محیط مصنوعی و محیط اجتماعی، تقسیم می‌شود. هریک از سه محیط می‌تواند، دارای محیط اختیاری و اجباری باشد که در ارتکاب جرم نقش دارد، ولی محیط اجتماعی سهم بیش‌تری در این زمینه دارد با این توضیح که انسان‌ها ناچارند برای تداوم زندگی با همدیگر تعامل داشته باشند. زندگی به خاطر کمبود منابع و امکانات دارای چالش‌های جدی است که به تعارض منافع و ارتکاب جرایم منتهی می‌شود.

از سوی دیگر زندگی در دهات و مکان‌های دور افتاده برای برخی قابل تحمل نبوده با توجه به سهولت و امکانات بهتر در شهر، زادگاه خود را ترک کرده به شهرهای بزرگ و مرکز کشور رو می‌آورند. سکونت در پایتخت و کلان شهرها مشکلات خاصی خود را دارد. اگر فردی نتواند خود را با شرایط شهری سازگار سازد، ناچار باید به حاشیه شهر رانده شود. مشکلات و هزینه‌های سنگین زندگی در شهر باعث شود که فرد دست به شغل‌های کاذب و خلاف رو آورند. محیط شهری با توجه به عدم سازگاری خرده فرهنگ‌ها و عدم انطباق شهروندان با زندگی شهری باعث می‌شود، فرد برای تامین حداقل امکانات شهری تن به کارهای ناهنجار و غیر مشروع بزنند. بدین ترتیب محیط اجتماعی بستر کاملاً مناسبی برای فرد بزه‌کار فراهم می‌آورد، تا رفتار مجرمانه خود را در فرصت مناسب انجام دهد.

با توجه به آنچه که ذکر شد می‌توان گفت: محیط در کشوری مانند افغانستان که شاهد جنگ‌های فرسایشی و تنور داغ تعصبات قومی و قبیله‌ای بوده است، نقش

مضاعف و افزایشی را نسبت به ارتکاب جرم ایفا نماید. آثار زیانبار جنگ به خصوص جنگ‌های قومی و مذهبی محیط‌های جنگ زده را بیش از مناطق دیگر، تحت تأثیر خود قرار دهد در نتیجه نقش بیش‌تری در افزایش آمار جنایی داشته باشد. محیطی که در ساحات مختلف کشور از بی‌سوادی رنج می‌برد یا خانواده‌های که از فرهنگ مردسالاری تبعیت می‌کند یا مناطقی که تبعات جنگ را هنوز تجربه می‌کند یا خانواده‌های که از فقر فرهنگی اقتصادی می‌نالند، بیش از سایر مناطق در آستانه ارتکاب جرم قرار دارد قهراً آمار جرم و بزه‌کاری شان بالاست.

یادآور شدم که محیط انواعی دارد هر کدام می‌تواند بخشی از زندگی افراد جامعه را متأثر سازد حتی محیط طبیعی نیز در ارتکاب جرایم نقش دارد. براساس تحقیقات دانشمندان آب و هوا و درجه حرارت بیش از سایر جنبه‌های محیط جغرافیایی در ارتکاب بزه، سهم دارد و در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌اند که میان درجه حرارت و جرایم ارتكابی رابطه علت و معلولی وجود دارد.

در نواحی و اقالیم گرم سیر که درجه حرارت بالاست جرایم علیه اشخاص بیش‌تر واقع می‌گردد، برعکس در مناطق سردسیر و نواحی که درجه حرارت پایین است، جرایم علیه اموال بیش‌تر رخ می‌دهد. بنابراین، محیط در کنار سایر عوامل زیستی، روانی، فرهنگی و تربیتی نقش قابل انکاری در ارتکاب بزه ایفا می‌کند که باید سایر عوامل در جای خودش مورد بررسی و دقت قرار گیرد، ولی عوامل محیطی به قدر ضرورت و ظرفیت مقاله مورد کنکاش قرار گرفت کار شناسان امور جنایی با توجه به فرصت‌های ارتکاب جرم که محیط در اختیار بزه‌کار قرار می‌دهد، باید راه‌کار بیاندیشند انواع پیش‌گیری به‌خصوص پیش‌گیری وضعی را مورد مذاقه قرار دهند تا فرصت ارتکاب جرم برای مجرم تنگ‌تر گردد و آماج جرم به حداقل ممکن خود برسد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. انصاری، ولی‌الله، کشف علمی جرایم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۰.
۲. باهری، محمد، حقوق جزای عمومی تهران، انتشارات تهران، ۱۳۴۷-۱۳۴۸.
۳. ببرکزی، محمدعمر، کریمنالیستیک یا جرم‌یابی، کابل، انتشارات میوند، چاپ ششم، ۱۳۹۲.
۴. بی‌ریا، ناصر، روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، قم، پژوهش‌گاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۳.
۵. جرگونی، یوسف، نقش محیط در بزه‌کاری از نگاه روایات و قرآن، خردادماه ۱۳۹۳.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات کتاب‌خانه گنج دانش، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۹۲.
۷. جعفری، وهاب، تأثیر عوامل محیطی در میزان نرخ جرم، تهران، انتشارات دانشگاه، ۱۳۹۱.
۸. حرعاملی، محمدبن حسن، وسایل الشیعه، بیروت، داراحیاء التراث چاپ پنجم، ۱۴۰۳ه ق.
۹. حسنی، علی‌جان، رفتار با عناصر محیط‌زیست از نظر اسلام، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط‌زیست، سال ۱۳۷۸.
۱۰. ربانی گلپایگانی، علی، جبر و اختیار، قم، موسسه تحقیقاتی سیدالشهدا، ۱۳۸۶.
۱۱. شامبیاتی، هوشنگ و عصاره، عبدالرحمان، کنش‌های متأثر از محیط و راهبردهای مهار پدیده مجرمانه، تهران، [بی‌نا]، ۱۳۹۱.
۱۲. شیرپور، محمد مهدی، به نقل از آیسنیک، اچ.ج (۱۹۷۷) جرم و شخصیت؛ ترجمه پاشا شریفی، حسن و نجفی‌زند، تهران، انتشارات رهنما، ۱۳۷۵.

۱۳. طریقی، شکرالله، روان‌شناسی و روان‌پزشکی کیفری، تهران، انتشارات دهخدا، ۱۳۵۵.
۱۴. گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی ۱-۲-۳، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، چاپ بیستم، ۱۳۸۹.
۱۵. مظلومان، رضا، جرم‌شناسی، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۴.
۱۶. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، انتشارات سرایش، چاپ نهم، ۱۳۸۶.
۱۷. نذیرداد، محمد، حقوق جزای عمومی اسلام، کابل، انتشارات رسالت، چاپ ششم، ۱۳۹۱.
۱۸. نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، نشر داد آفرین، چاپ سی و دوم، ۱۳۹۰.
۱۹. ب. مقالات
۲۰. احمدی، مهناز، «بررسی مؤلفه مؤثر بر بزه‌کاری»، پایگاه تخصصی نشر مقالات حقوقی، حق گستر [بی‌تا].
۲۱. تقوایی، مسعود و دیگران، «بررسی عوامل مؤثر بر میزان جرم در مناطق مختلف شهر شیراز»، فصل‌نامه علوم اجتماعی، شماره ۴۸، نشر شیراز، ۱۳۸۸.
۲۲. شماعتی، علی و دیگران، «بررسی عوامل و پدیده‌های مؤثر بر بروز جرایم و آسیب‌های اجتماعی در کلانشهرها»، پرتال پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوره ۲۱، شماره ۸۳.
۲۳. عبداللهی، راشن «عوامل وقوع جرم»، فصل‌نامه دانش انتظامی، سال شانزدهم، شماره دوم، اردبیل، چاپ استان، ۱۳۹۳.
۲۴. عوامل اجتماعی جرم، مجله الکترونیکی، سه شنبه ۱۵ تیر ۱۳۹۵، به نقل از دانش تاج زمان، مجرم کیست جرم شناسی چیست؟ مؤسسه کیهان، ۱۳۴۶.
۲۵. فولادی، محمد، «علل و عوامل پیدایش آسیب‌های اجتماعی و راه‌های پیش‌گیری از آن»، مجله معرفت، شماره ۹۱، بانگ اطلاعات نشریات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹.

۲۶. کلان‌تری، محسن و دیگران، «بررسی جغرافیایی کانون‌های جرم شهر زنجان»، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۷۴، زنجان، نشر زمستان ۱۳۸۹.
۲۷. موغلی، مرضیه، «تأثیر آب و هوا بر ارتکاب جرم»، فصل‌نامه جغرافیایی طبیعی، سال چهارم، شماره ۱۱، بهار ۱۳۹۰.
۲۸. واثق، محمد، حسینی، محیط‌زیست، وبلاگ دیپارتمنت محیط‌زیست، منابع طبیعی و توسعه پایدار، دانشگاه تعلیم و تربیه کابل، ۱۳۹۰ / ۴ / ۱۵.